

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۴۰۲ (ص ۴۷ - ۵۳)
دریافت: آبان ماه ۱۴۰۲ پذیرش: دی ماه ۱۴۰۲

بررسی آثار استقامت در آیات قرآن کریم

Examining the effects of perseverance in the verses of the Holy Quran

داوود یوسفی / کارشناس تفسیر قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی مراغه. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم.
مرتضی رستمی / کارشناس تفسیر قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی مراغه. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم.

Dawood Yousefi/ Expert in interpretation of the Holy Quran, Maragheh Faculty of Quranic Sciences. Qom University of Quranic Sciences and Education.

davoodyosefi75@gmail.com

Morteza Rostami/ Expert in interpretation of the Holy Quran, Maragheh Faculty of Quranic Sciences. Qom University of Quranic Sciences and Education.

Abstract

Endurance means stability and standing, which are mentioned in the verses of the Holy Quran related to the concepts of patience and stability, and each of the above words has a degree of stability. So that patience is the introduction to stability, stability is the second step and endurance is the third and most important step on the way to stability in the Qur'an. From the point of view of the Holy Qur'an, if a person observes the framework, principles and pillars of perseverance and steadfastness and adheres to its principles, many works and blessings will appear for him, such as divine help, victory, God's love, not having fear and anxiety, and reality. Being in security, subject to God's eternal greetings, divine mercy, divine mercy, eternal paradise and countless rewards are some of the effects of perseverance from the perspective of the Holy Quran, so according to the verses of the Quran An article has been written in a library style and descriptive analytical method to be a step in explaining the concepts of the verses of the Holy Quran and introducing it to the human society.

Keyword: endurance, patience, Holy Quran, works.

چکیده

استقامت به معنای پایداری و ایستادگی است که در آیات قرآن کریم مرتبط با مفاهیم صبر، ثبات قدم شده و هر یک از واژه‌های فوق، مرتبه‌ای از پایداری را به خود اختصاص می‌دهند؛ به طوری که صبر و حلم، مقدمه‌ی پایداری، ثبات دومین گام و استقامت سومین و مهم‌ترین گام در راه رسیدن به پایداری در قرآن است. از دیدگاه قرآن کریم، اگر انسان چارچوب، اصول و ارکان استقامت و ثبات قدم را رعایت کرده و به مبانی آن پایبند باشد، آثار و برکات فراوانی برای او نمایان خواهد شد که امداد الهی، پیروزی، محبت خدا، نداشتن ترس و حراس و واقع شدن در امنیت، مشمول درود همیشگی خداوند، شمول رحمت الهی، مهندی الهی، ملازم بهشت جاویدان و پاداش بدون حساب، تعدادی از آثار استقامت از دیدگاه قرآن کریم می‌باشند، لذا باتوجه به آیات قرآن کریم نگاشته‌ای به شیوه کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی توصیفی نوشته شده است تا گامی باشد در تبیین مفاهیم آیات قرآن کریم و شناساندن آن به جامعه بشری.

کلیدواژه‌ها: استقامت، صبر، قرآن کریم، آثار.

مقدمه

استقامت در مفهوم قرآنی آن اصطلاحی برای پایداری در دین و مسیر حق در برابر کژیهاست، اهل معرفت تعبیری چون «اهل استقامت» و «منزل استقامت» را که مرحله‌ای از مراحل سلوک الی الله است به کار می‌برند. استقامت یا همان برخورداری از اراده‌ای پولادین در انجام کارهای مهم زندگی که جهت‌دهنده مسیر زندگی به حساب می‌آید، از جمله مهمترین بایدهای فردی و فضائل اخلاقی به شمار می‌رود و عزت و سربلندی انسان را به دنبال خواهد داشت. مراد از استقامت آدمی در یک کار، این است که از نفس خود بخواهد که درباره‌ی آن امر قیام کند و آن را اصلاح کند به طوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد. این فضیلت اخلاقی از آنچنان اهمیتی برخوردار است که نبی مکرم اسلام (ص) در وصیت خود به امیرمؤمنان علی (ع) فرموده است: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ قُلْ رَبِّي اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقِمْ قَالَ قُلْتُ رَبِّي اللَّهُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ فَقَالَ لِيَهْتِكُ الْعِلْمُ يَا أَبَا الْحَسَنِ لَقَدْ شَرِبْتَ الْعِلْمَ شُرْبًا وَ نُهِلْتَهُ نَهْلًا» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق، ج ۲: ۳۵۵). در این موضوع، نگاهتهایی چند نوشته شده است از جمله: «استقامت و پایداری»، نوشته‌ی ایمان یزدانی نیا که در آن تنها به عوامل، آثار و انواع استقامت به شکلی مختصر پرداخته شده است، همچنین سیدرضا صدر کتابی با عنوان استقامت (صدر، ۱۳۷۳ ش) نوشته شده است که در بخش کوچکی از آن، به صورت کلی به آیات استقامت اشاره شده است، اما استقامت در برابر نفس آنچنان انسان را به تکامل نزدیک می‌کند که خداوند بدون حساب وی را به بهشت برین راهی می‌کند، البته ناگفته نماند که فردی که استقامت دارد هر آنچه در مسیر زندگانی بر وی واقع شود را از جانب خداوند متعال میدانند و هرگز در مقابل اتفاقات پیش آمده جزع نکرده و هر آنچه خداوند متعال بدان دستور داده است را اعمال میدارد، لذا با توجه به عنایات و الطاف خداوند متعال نگارنده گامی در جهت ترویج فرهنگ قرآن و نمایاندن آن به جامعه بشری نگاهتهایی با توجه به آیات قرآن کریم به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی توصیفی به ۱۰ مورد از جمله: امداد الهی، پیروزی، محبت خدا، نداشتن ترس و حراس و واقع شدن در امنیت، مشمول درود همیشگی خداوند، شمول رحمت الهی، مهتدی الهی و ... اشاره نموده است،

مفهوم شناسی

صبر

صبر در لغت به معنای خویشتن‌داری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۴) و حبس نفس بر چیزی که عقل و دین تقاضا می‌کند و از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کند (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۴: ۱۰۵)، و آن در اصل ضد جزع است (ابن درید، ۱۹۸۸ م. ج ۱: ۳۱۲)، (صاحب، ۱۴۱۴ ق، ج ۸: ۱۳۴) و در معنای حبس نفس از جزع نیز به کار رفته است (جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۲: ۷۰۶). لکن باید توجه داشت که حوزه مفهومی این دو واژه با هم تفاوت‌هایی نیز دارد؛ استقامت به معنای پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزش‌های دینی و عدم انحراف از راه حق به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق است که بیشتر بعد فکری و عقیدتی در آن لحاظ شده است و صبر به معنای شکیبایی در برابر سختی‌های اطاعت و دشواری‌های مصائب و عدم تمکین در برابر طغیان شهوات است که بیشتر در مقام عمل متصور است (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳: ۳۵۹) لذا قرآن کریم نیز صبر و ثبات قدم را به صورت جداگانه به کار برده و می‌فرماید: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أقدامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (البقره / ۲۵۰).

ثبات

ثبات مأخوذ از ماده «ثبت»، ضد زوال و به معنای پایداری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۱) ایستادگی و مقاومت بوده (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق. ج ۹: ۹۴)، چنانچه خداوند متعال با دعوت از مؤمنین برای ایستادگی و مقاومت در برابر کفار، خطاب به آنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (الانفال / ۴۵).

آثار و فوائد استقامت از دیدگاه قرآن کریم

امداد الهی

خداوند متعال همیشه حامی و ناصر مؤمنان بوده و هست یکی از وعده‌های الهی به آنان که در برابر هواهای نفسانی خیش ایستادگی کردند، این است که بدانها نصرت عطا می‌کند؛ «... وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران / ۱۳) یکی از مهمترین نصرت های الهی ثابت قدم ماندن در ایمان به یگانگی خداوند می‌باشد که خداوند به مؤمنان نوید داده نگرانی آنان را از لغزش بر طرف مینماید و می‌فرماید؛ «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَقَعُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (ابراهیم / ۲۷) اما منظور از «.. قَوْلِ الثَّابِتِ» اعتقاد و عزم راسخ استوار بوده و صاحبش پای آن می‌ایستد، و عملاً از آن منحرف نمی‌گردد مراد از آن قول همانا کلمه توحید، و شهادت از روی حقیقت به یکتایی معبود است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲: ۵۲)، (طبرسی، ۱۴۱۲ ق. ج ۲: ۲۴۸) و (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۱۹۸). یعنی کلمه لا اله الا الله حاکم بر زندگانی دنیوی وی باشد لذا می‌توان گفت «.. قَوْلِ الثَّابِتِ» همان کلمه لا اله الا الله می‌باشد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق. ج ۱۱: ۲۷۴)، (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۵۱۲) و (محلّی، ۱۴۱۶ق: ۲۶۲). لذا اگر این گونه باشد و بر ایمان خود ثابت بماند و استقامت به خرج دهند، خداوند هم ایشان را در دنیا و آخرت بر همان ایمانشان ثابت قدم می‌کند، منظور از آخرت در آیه مذکور، قبر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰: ۳۳۸)، (طبرسی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۶: ۴۸۲)، (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق. ج ۱۱: ۲۷۴) (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۵۱۲) و (محلّی، ۱۴۱۶ق: ۲۶۲). لذا هر آن کس که ایمان به یگانگی خداوند متعال داشته باشد و به حرف خود در اعمال، رفتار و گفتار رنگ و لعاب توحید داده باشد خداوند نیز وی نصرت داده و در لغزشگاه‌ها امداد میبخشد حتی در قبر و ثبات قدم آنچنان از اهمیت و جایگاه والایی دارد که در آیات پیش از آیه مورد بحث، بحث از شجره طیبه و شجره خبیثه می‌باشد که در آن به مسئله ثبات و عدم ثبات پرداخته شده است که در بیان ثمره این شجره طیبه در آخرین آیه مورد بحث خواندیم: خداوند افراد با ایمان را به خاطر عقیده ثابتشان در دنیا و آخرت ثابت قدم می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰: ۳۳۹).

خداوند در آیات دیگر نیز اشاره به امداد و همراهی خود با مؤمنان و استقامت کنندگان دارد لذا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (البقرة / ۱۵۳) صبر و صلاة به انسان استقامت میبخشد و در مقابل ناملایمات زندگی سر خم نکرده و به امدادهای غیبی خداوند اومید وار می‌شود واز جانبی می‌توان گفت که صبر در آیه مذکور معنای استقامت میدهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش. ج ۱: ۵۱۸)، چرا که میدانند که هر آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند متعال می‌باشد «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران / ۱۸۹) و با در برابر ناملایمات با ایمان راسخ استقامت می‌کند چرا که میدانند؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» است و میدانند که صبر و استقامت از برترین امور در ایمان آوردن می‌باشد چرا که میدانند که «... إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان / ۱۷) همه این عوامل دست به دست هم داده و خداوند متعال نیز در بهترین صورت وی راباری مدهد چرا که می‌فرماید: «وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (الانفال / ۴۰).

پیروزی

استقامت بر ایمان و یقین و ایمان راسخ به خداوند متعال انسان را آنچنان دلگرم و امید وار می‌کند که در مقابل بزرگترین مشکلات هم ایستادگی می‌کند و آنچنان می‌شود که هر آنچه دارد را وقف خداوند می‌کند چرا که خداوند در آیات قرآن کریم بزرگترین مرحله رشد و نمو انسان را در اختیار گذاشتن جان خود در طبق اخلاص برایش خداوند میتعال می‌فرماید و خداوند نیز در مقابل وی را شهید میبذرد و حیات میدهد، لذا می‌فرماید: «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ...» (البقرة / ۱۵۴)، آن کس که اینگونه ایمان راسخ داشته باشد و بر ایمان خود ثبات داشته باشد، خداوند متعال نیز با نصرت و باری خود پیروزی واقع میدان کارزار را به استقامت کننده میدهد یکی از آیاتی که خداوند در مقام تذکره به انسان در قرآن کریم آورده است؛ ماجرای پیروزی طالوت بر جالوت با اندک سپاه می‌باشد، خداوند متعال در بیان داستان پیروزی طالوت و جالوت می‌فرماید: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ

اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَهَزَمُوهُمْ يَأْذُنَ اللَّهِ وَقَتْلَ دَاوُدَ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ (البقرة/ ۲۴۹ الی ۲۵۱)

خداوند متعال بارها در زمینه کارزار چه جنگ روانی و عقیدتی، چه جنگ فیزیکی لطف و عنایت خود را به بشریت نمایان داشته و دارد البته این بدان معنا نیست که انسان با این تفکر که نیاز نیست کاری انجام دهد، دست از عمل برداشته و هیچ کاری در مقام دفاع از عقائد و کیان خویش انجام ندهد، چرا که چنین مسئله‌ای در جنگ بدر اتفاق افتاد و تنها با عدم استقامت در مقابل هوای نفسانی خویش و گوش ندادن به حرف پیامبر شکست خوردند، «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ» (آل عمران / ۱۲۳) با این بیان لازمه پیروزی استقامت می‌باشد.

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید. (الانفال / ۴۵) در آیه شریفه وعده پیروزی را با عبارت «تُفْلِحُونَ» آورده است اولین دستوری که خداوند به انسان در مقام مقابله با دشمن با توجه به آیه‌ی شریف می‌دهد، استقامت است «فَاثْبُتُوا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش. ج ۷: ۱۹۴) لذا خداوند نتیجه استقامت را پیروزی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

محبت خدا

محبت خداوند به انسان یکی از بزرگترین نعمات الهی به انسان است و آنان که در ایمان خود ثابت قدم هستند و استقامت کرده‌اند از محبین خداوند متعال می‌باشند، چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَ كَأَيِّنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَنُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۶ و ۱۴۷).

نداشتن ترس و حراس و واقع شدن در امنیت

یکی دیگر از آثار استقامت در ایمان به خداوند متعال عدم دخول ترس و وحشت در قلب شخص می‌باشد، خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (الاحقاف / ۱۳) ترس و وحشت یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری‌های انسان می‌باشد؛ اما با توجه به آیه‌ی شریف ثبات قدم داشتن در ایمان به خداوند متعال انسان را از ترس و وحشت دور نگاه میدارد، چرا که هیچ چیزی را بزرگتر از خدا نمیداند چرا که هیچ چیزی به مجرد خود قدرت ندارد، چرا که میداند: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...» (البقرة / ۱۶۵) و اگر انسان این را یقین داشته باشد که هیچ قدرتی بالاتر از قدرت الهی نیست و در ایمان خود ثابت قدم باشد هیچ گاه از غیر خدا واهمه و ترس و وحشتی نخواهد داشت و اگر انسان این را یقین کند در امنیت هست، چون همیشه خوف جایی پیدا می‌شود که پای احتمال خطری در بین باشد، و اندوه وقتی به دل می‌آید که خطری واقع شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق. ج ۱۸: ۱۹۶).

لذا قرار گرفتن در محل امن و وجود وحشت و ترس در آن محل معنایی نخواهد داشت، لذا باتوجه به این که خداوند جسم نیست و محدود به زمان و مکان نیست لذا انسان اگر در ایمان خود ثابت قدم باشد در هیچ محل و زمان و مکانی نمیترسد چرا که همه جا خداوند هست، پس همه جا امنیت دارد، پس هیچ انسان ثابت قدم در ایمان به خداوند به غیر از خداوند متعال از هیچ محلی نمیترسد و واهمه و وحشت ندارد، خداوند متعال در آیه‌ای دیگر اشاره به داستان حضرت ابراهیم داشته و می‌فرماید دلیل این که حضرت ابراهیم بدون هیچ واهمه و ترسی پس از نظاره بتها و خدایگان ساختگی و مجسم در ایمانش ثابت قدم شد و با این ایمان راسخ وی در امنیت مطلق قرار گرفت، «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ وَ تِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (الانعام / ۸۳، ۸۲)

مشمول درود همیشگی خداوند

خداوند امتحان را سر لوحه زندگانی بشر قرار داده است و فرموده: «وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ، وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ» (البقرة/ ۱۵۵) اما در مقابل به کسانی که در امتحانات الهی در برابر هوای نفس خود ایستادگی میکنند بشارت میدهد «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (البقرة/ ۱۵۵) و در تبیین شخصیت صابران در ادامه می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (البقرة/ ۱۵۶) این جمله‌هاکی از ثبات قدم شخص در ایمان به خداوند والا مرتبه می‌باشد، چرا که میداند که همه از خداییم و و بازگشته همه به سوی اوست اما خداوند در مقابل به افرادی که از چنین ایمان راسخی برخوردارند چندین پاداش را نام میبرد؛ و می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (البقرة/ ۱۵۷).

در این قسمت تنها اشاره نگارنده به قسمت «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ» می‌باشد چرا که هر یک از آثار و پاداش ثبات قدم در ایمان را در بخشهای زیر بررسی گشته است. چرا که باتوجه به آیات قرآن کریم صلوات با رحمت فرق دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج: ۱؛ ۳۶۱) البته صلوات خود یکی از مصادیق رحمت الهی می‌باشد در این نگاهسته تنها نگارنده در پی بررسی تک تک آثار می‌باشد.

و در این آیه صلوات به معنای اصلی خود می‌باشد یعنی دعا (محلّی، ۱۴۱۶ ق: ۲۷) و استغفار (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۹۱)، (الوسی، ۱۴۱۵ ق: ۱؛ ج: ۴۲۱) با ملزومیت همیشگی و جاودانگی (طبرسی، ۱۳۷۲ ش. ج: ۱؛ ۴۳۷) می‌باشد و برخی نیز بر آنند که صلوات در اصل به معنای دعا می‌باشد ولی دعا از جانب خداوند متعال به معنای به معنای مغفرت و تزکیه می‌باشد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج: ۲؛ ۱۹۹).

با توجه به آیه «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (الاحزاب/ ۴۳) می‌توان نتیجه گرفت که خداوند پذیرنده دعا می‌باشد ن دعا کننده، پس منظور از دعای خداوند شامل مغفرت و تزکیه‌ای میباشد که مراد از آن تزکیه و مغفرت آن است که انسان به مرتبه‌ای از مراتب والایی انسانیت برسد چرا که نتیجه «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ» را «لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» معرفی می‌کند،

شمول رحمت الهی

اما دومین اثر ثبات قدم در ایمان به خداوند متعال در آیه: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (البقرة/ ۱۵۷) مشمول رحمت الهی شدن می‌باشد.

مقصود از رحمت الهی لطف و احسان (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج: ۲؛ ۱۹۹) می‌باشد نرمی و نرمخویی است که نیکی کردن بطرف مقابل را اقتضاء می‌کند که گاهی در باره مهربانی و نرمدلی بطور مجرد و گاهی در معنی احسان و نیکی کردن که مجرد از رقت است بکار می‌رود، و هر گاه خدای باری با این واژه توصیف شود چیزی جز احسان مجرد و بدون رقت و رحمدلی نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۴۷)

لذا مغفرت و تزکیه خداوند متعال نسبت به انسان هم پاداش در دنیوی و هم اخروی در پی دارد، چرا که خداوند به ثابت قدمان در ایمان وعده داده و می‌فرماید: «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَ حَسَنَ تَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/ ۱۴۸) چرا که برخی «رَحْمَةً» را نعمت (محلّی، ۱۴۱۶ ق: ۲۷) دنیا و آخرت میدانند، زیرا رحمت به معنای نعمت بر محتاج است و هر فردی به نعمت خدا در دنیا و آخرت محتاج میباشد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش. ج: ۱؛ ۴۳۷).

مهتدی الهی

در آخرین مرحله از آثار ذکر شده در باب استقامت و پابندی در ایمان به خداوند متعال خداوند می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» و دلیل آن که هدایت شدن این است که در باور و یقین به توحید و یگانگی خداوند استقامت کردند و هرگز کوتاه نیامدند و اینگونه شد که هدایت یافتند، و اینگونه شد که حضرت ابراهیم پس از دیدن خدایگان و بتها از جمله ماه و ستاره و خورشید به این نتیجه رسید که با غروب و طلوع نمی‌شود کار و امور هستی را گذراند و سپس گفت: «... يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ نِي وَجْهَتِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (الانعام/ ۷۸ و ۷۹) و خداوند متعال نیز در مقابل این اتفاق عظیم فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ وَ تِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ

رَبِّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (الانعام/ ۸۲ و ۸۳) خداوند وعده میدهد به کسانی که ایمان آوردند که در صورت نیامیخته شدن ایمان با ظلم بدانها امنیت داده شود و می‌فرمایند که همانا آنها راه یافته‌اند.

اما هدایت واقعی از آن خداوند متعال است چرا که می‌فرماید: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (المائدة/ ۱۶) با توجه به آیه، خداوند انسان را به مسیر استواری هدایت می‌کند، لذا می‌توان نتیجه گرفت که حتی در قرار گیری فرد در مسیر استوار و قرار گیری وی در ایمانی راسخ به خداوند متعال، تنها خداوند عامل بوده، با این بیان فردی که در ایمان خود استقامت دارد و ثبات قدم دارد حتی هدایت شدنش را نیز از الطاف خداوند متعال میدانند.

ملازم بهشت جاویدان

خداوند استقامت کنندگان در ایمان را به بهشت برین وعده داده و نعمات فراوانی را برای آنها یاد آور می‌شود و در آیه‌ای به صراحت می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا... وَلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الاحقاف/ ۱۳ و ۱۴) و این است پاداش کسانی که در ایمان خود راسخ ماندند و ثابت قدم شدند، و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَاماً خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَاماً» (الفرقان/ ۷۵ و ۷۶) غرفه در اصل به معنای؛ برداشتن و گرفتن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۰۵) و (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش. ج ۱۵: ۱۶۹) و در معنای دیگر به قسمتهای فوقانی ساختمان و طبقات بالای منازل اطلاق شده است و در اینجا کنایه از برترین منزلگاههای بهشت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش. ج ۱۵: ۱۷۰)، (طباطبایی، ۱۳۹۰ق. ج ۱۵: ۲۴۵) و (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷: ۲۸۴).

پاداش بدون حساب

یکی دیگر از آثار استقامت در ایمان به خداوند متعال تعلق پاداش بدون حساب می‌باشد، لذا فرمود: «... إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (الزمر/ ۱۰) بدین بیان صابران اجرشان داده نمی‌شود، مگر اعطایی بی حساب پس صابران بر خلاف سایر مردم به حساب اعمالشان رسیدگی نمی‌شود و اصلاً نامه اعمالشان بازنمی‌گردد و اجرشان همسنگ اعمالشان نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق. ج ۱۷: ۲۴۴). با این حال پیامبر اکرم (ص) فرمود؛ برای گروهی در قیامت پرونده‌ای گشوده نمی‌شود و آنان بدون سؤال و جواب به بهشت می‌روند، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (حویزی، ۱۴۱۵ق. ج ۴: ۴۸۱) با این بیان می‌توان گفت؛ استقامت کننده‌گان در ایمان پاداشی بزرگ و زیاد نسبت به اعمال خود را دریافت میکنند.

نتیجه گیری

انسان در انتخاب مسیر زندگانی خود مختار است و هیچ گونه اجباری در انتخاب مسیر ظلال و هدایت در زندگانی خویش ندارد، لذا اگر مسیر هدایت را انتخاب نمود باید نسبت قوانین و احکام الهی نیز پایند باشد و در مقابل هوای نفسانی خویش ایستادگی کند، این مقاومت از استقامت در مقابل دین داری از روی عقل قابل ستایش می‌باشد، لذا مقاومت و ایستادگی دو نوع است یکی از روی جهل و تعصب بی جا و دیگر از روی عقل، لذا اگر شخصی آنچنان در ایمان خود راسخ شد و ثابت قدم ماند و بر مصائب و پیش آمدها ایستادگی کرد و هر آنچه را از آن خداوند داند خداوند نیز اجر و پاداشی بی حساب برای وی قرارل میدهد، اما در اینکه استقامت چگونه حصول یابد و چه عوامل استقامت در ایمان به خداوند یگانه را تقویت میبخشد خود موضوعی جهت نگاشتن مقاله است، اما در این نگاشته نگارند با توجه به آیات قرآن تنها به آثاری که انسان با استقامت در برابر هوای نفسانی بدانها دست میابد پرداخته است و از آن میان تنها به ۱۰ مورد عبارت‌اند از؛ امداد الهی، پیروزی، محبت خدا، نداشتن ترس و حراس و واقع شدن در امنیت، مشمول درود همیشگی خداوند، شمول رحمت الهی، مهتدی الهی، ملازم بهشت جاویدان، پاداش بدون حساب و اشاره شده است که ان شاء الله مورد عنایت قرار گرفته قدمی باشد در اشاعه و ترویج فرهنگ قرآن کریم و مباحث انسان ساز آن.

منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب) - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.
- [۳] ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، ۳ جلد، دار العلم للملایین - بیروت، چاپ: اول، ۱۹۸۸ م.
- [۴] ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۴۰۸ ه.ق.
- [۵] بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.
- [۶] حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، اسماعیلیان - ایران - قم، چاپ: ۴، ۱۴۱۵ ه.ق.
- [۷] جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیة، ۶ جلد، دار العلم للملایین - بیروت، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ه.ق.
- [۸] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، دار القلم - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
- [۹] صدر، سید رضا، استقامت، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۳ ش.
- [۱۰] صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغه، ۱۱ جلد، عالم الکتب - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- [۱۱] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ ه.ق.
- [۱۲] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه.ش.
- [۱۳] طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ۴ جلد، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.
- [۱۴] طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، ۶ جلد، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
- [۱۵] قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دار الکتب الاسلامیه - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۱ ه.ش.
- [۱۶] قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۴ جلد، ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۸ ه.ش.
- [۱۷] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه.ش.
- [۱۸] محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، ۱ جلد، مؤسسه النور للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ه.ق.